

# خداوند خدایتان را دوست بدارید



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** تثنیه باب ۶ آیات ۴ و ۵؛ تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۲؛ افسسیان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۰؛ مکاشفه باب ۱۴ آیات ۶ و ۷؛ تثنیه باب ۴ آیه ۳۷؛ تثنیه باب ۱۱ آیه ۱؛ مرقس باب ۱۲ آیات ۲۸ تا ۳۰.

**آیه حفظی:** « شما باید خداوند خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام توان دوست بدارید» (تثنیه باب ۶ آیه ۵).

در دین یهود، یکی از مهمترین دعاها از تثنیه باب ۶ برگرفته شده است. این دعا به عنوان «شِمَع» شناخته شده است که بر اساس اولین کلمه عبرانی دعا است؛ از ریشه «شِمَع *shama*» \* که به معنای «گوش دادن» یا حتی «اطاعت کردن» است- کلمه ای که مکررا نه تنها در تثنیه بلکه در کل عهد عتیق ظاهر می شود.

اولین خط دعای شِمَع به شکل ذیل قرائت می شود: Shema Yisrael Adonai Elohenu Adonai echad. یعنی: «بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست.» (تثنیه باب ۶ آیه ۴). خیلی اوقات هنگامی که یهودیان این دعا را می خوانند چشمانشان را می پوشانند؛ که این ایده را متبادر می سازد که اجازه می دهند چیزی حواسشان را پرت کند تا بتوانند به خدا فکر کنند. این خط اول «شِمَع» تصدیق ماهیت توحیدی *الوهِنو (Elohenu)*. «خداوند، خدای ما»، و همچنین وفاداری قوم اسرائیل نسبت به او و نه «خدا»ی دیگر است. در واقع، می تواند اینگونه نیز خوانده شود «خداوند، خدای ماست».

این خط اولین بخش از موعظه موسی است که دقیقاً زمانی بود که قوم اسرائیل در شرف ورود به سرزمین وعده بودند. درهرحال شروع این دعا آن را به بیانی قدرتمند تبدیل می کند و حقیقتی است که به همان اندازه که در گذشته حساس بود در زمان حال نیز حساس است.

\* معرب واژه عبرانی «شِمَع»، فعل یا باب «سِمَع» می باشد که در زبانی فارسی آن را فعل امری «بشنو» ترجمه می کنیم. [ویراستار]

درس این هفته را مطالعه نمایید تا برای سبت مهر ۲۳ حاضر شوید.

## دوست داشتن خدا

پس از آنکه موسی سابقه تاریخی قوم اسرائیل را به آنان گوشزد می کند، او به آنان تعلیم می دهد که قرار بوده تا سرزمین موعود را به تصرف درآورده و در آن پیشرفت کنند. در واقع می توان مباحثه نمود کتاب تثنیه در مجموع چنین می گوید که: خداوند به مردم می گوید تا به آخر در عهد خود وفادار باقی بمانند؛ عهدی که او فیوضانه در تحقق وعده اش با پدرانشان بست. تثنیه باب ۶ اینگونه آغاز می شود: «این است فرمانها و فرایض و قوانینی که یهوه، خدای شما، امر فرمود به شما بیاموزم، تا آنها را در سرزمینی که برای تصرفش بدان عبور می کنید، به جای آرید، و تا شما و فرزندان و فرزندان فرزندان از یهوه خدای خود بترسید و تمامی فرایض و فرمانهای او را که من به شما حکم می کنم، در تمامی ایام زندگیتان نگاه دارید، تا عمر درازداشته باشید» (تثنیه باب ۶ آیات ۱ و ۲)

تثنیه باب ۶ آیات ۴ و ۵ را بخوانید. در آیه ۵ خداوند به فرزندان اسرائیل چه فرمانی می دهد؟ این به چه معناست؟

خداوند خدای خود را با تمامی دل محبت کن...؟ این آیه چه جالب است؛ در میان احکام، در میان این همه اخطار، قوانین و تقدیرات آن، مردم فراخوانده شده اند تا خدا را محبت کنند و نه تنها محبت کنند بلکه «با تمامی دل، تمامی جان و تمامی قوت» که به ذات مطلق محبت اشاره دارد. خدای را با تمامی دل و جان و قوت دوست داشتن بدین معناست که محبت ما نسبت به او باید فراتر از محبتی باشد که برای هر چیزی و هر کسی داریم؛ زیرا او سرآغاز و منبع تمامی وجودمان و هر چیز دیگری است. عشق به او علاقه ما را هر چیز دیگری تحت الشعاع قرار می دهد. در عبرانیان، کلمه «خود» برای خدای خود، دل خود، قوت خود به صورت مفرد است. بله خدا منظورش را به طور کل به مردم بیان می کرد اما قدرتی که در این «کل» وجود دارد به اندازه قدرتی است که در «جزء» وجود دارد. خداوند از هر یک از ما خواهد خواست؛ اگرچه بخشی از یک بدن بزرگتر هستیم، تا به طور فردی به او وفادار باشیم و بنیان آن وفاداری باید محبت ما برای او باشد، بخاطر آنکه سزاوار است و بخاطر آنچه که برایمان انجام داده است.

برای شما جمله با تمامی دل و تمامی جان خدا را محبت کن چه مفهومی دارد؟

## خدا ترسی

موسی به بنی اسرائیل گفت تا خدا را با هر آنچه که دارند محبت کنند. این یک حکم بود. درهرحال، درچندآیه قبل موسی به آنان حکمی دیگر داده بود: «و تا شما... از یهوه خدای خود بترسید» (تثنیه باب ۶ آیه ۲).

تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۲ را بخوانید. در این متن راجع به ترس و محبت چه گفته شده است و چگونه ما آنرا می فهمیم؟

در یک آیه از آنها خواسته شده تا از خدا بترسند ودرآیه ای دیگر به او محبت کنند و دراین آیه ازآنان خواسته شده تا همزمان از او بترسند و هم محبت کنند. در مفهوم کلی کلمه «ترس» شاید تناقض به نظر برسد، اما این طور نیست.

درعوض ترس از خدا- به معنای هیبت و احترام به کسی که هست؛ اقتدار وی، عدالت وی، قدرت وی و انصاف وی و وابستگی کامل به او؛ - باید یک عکس العمل طبیعی باشد. ما موجوداتی سقوط کرده ایم؛ موجوداتی که بر ضد احکام خدا و بلکه فیض او عصیان ورزیدند و لایق محکومیت و مرگ ابدی می باشند.

افسیان باب ۲ آیات ۱-۱۰ را بخوانید. این آیات چگونه به ما کمک می کند تا همزمان از خدا بترسیم و او را دوست داشته باشیم؟

علی رغم این واقعیت که ما «فرزندان غضب» بودیم (که به خاطر این است که باید از او بترسیم)، مسیح برای ما مرد و بنابراین در او یک زندگی نو به ما داد که شامل آزادی از گناه و محکومیت گذشته است (و به خاطر همین باید او رامحبت کنیم).

و همانطور که چنین چیزی امروزه برای ما صدق می کند، همین قاعده در اسرائیل کهن نیز به کار برده شد: آنان در مصر در اسارت ب، محکوم به بردگی و ظلم بودند و تنها محبت خدا و لطف او به آنان بود که آنان را به رستگاری سوق داد.

«به یاد آرکه خوددرسرزمین مصر غلام بودی و یهوه خدایت تو را با دست نیرومند و بازوی دراز ازآنجا به درآورد» (تثنیه باب ۵ آیه ۱۵). هیچ شکی نیست که بعدها آنان همزمان خدا را دوست داشته و از او ترس داشته باشند و اگر آنان اینگونه عمل نمودند پس بجا نیست که ما نیز فعالانه تر عمل کنیم، با دانستن این حقیقت که عیسی برایمان بر روی صلیب مرد؟

مکاشفه باب ۱۴ آیات ۶ و ۷ را بخوانید. چگونه می توانیم بفهمیم که چرا حکم «از خدا بترس» باید اولین حکم خداوند در آخرین پیامش به جهان باشد؟ درحالیکه ما از آینده ای که بر این جهان واقع خواهد شد آگاهیم، چرا در این حکم این همه معنا نهفته است؟

۲۷ مهر

سه شنبه

## بخشیده و فراموش شده؟

بعد از اینکه داود ناخواسته و ندانسته در مورد خودش داوری کرد (دوم سموئیل ۱۲: ۵، ۶)، ناتان او را با گناه عظیمی که مرتکب شده بود رو در رو کرد. قلب داود می شکند، و به گناه خود اعتراف می کند. بلافاصله ناتان به او اطمینان می دهد که «خداوند نیز گناهت را زدوده» (دوم سموئیل ۱۲: ۱۳) و او بخشیده شده است. برای دریافت عفو و بخشش خداوند زمان یا دوره انتظار وجود ندارد. داود نیازی نداشت تا اثبات کند که او واقعا صادق و وفادار است تا لایق و سزاوار بخشش خداوند باشد. با این حال، ناتان، که از پیش، پیامدهای گناه داود را در دوم سموئیل ۱۲: ۱۰ تا ۱۲ پیش بینی کرده بود، این چنین ادامه می دهد که طفلی که متولد شود خواهد مرد.

اینکه خداوند گناه داود را می زداید، به چه معناست؟ آیا او فقط فهرست گناهان نوشته شده او را پاک می کند؟ آیا همه به راحتی همه چیز را درباره آن فراموش می کنند؟ همانطور که به این سوالات می اندیشید، دوم سموئیل ۱۲: ۱۰ تا ۲۳ را بخوانید.

حتما داود نیز در مورد این سوالات شگفت زده بوده، همانطور که شاهد فروپاشی دنیای خود بوده است — نوزاد او مرده بود، خانواده اش به هم ریخته و پریشان شده بود (حکایت آمنون و آبشالوم دو نمونه خوب از مشکلات خانوادگی در زندگی واقعی است)، و آینده او نامشخص بود. و با این حال، با وجود پیامدهای گناه او، که افراد بی گناهی مانند اوریا و نوازده تازه متولد شده را تحت تاثیر قرار داد، داود درک می کند که لطف و رحمت خدا این را خواهد پوشاند و با فیض او روزی تمام پیامدهای گناه او زدوده خواهد شد. در عین حال، او می تواند آرامش ضمیر پریشان و مضطرب خود را در لطف و رحمت خداوند بیابد.

داود احساس می کند که به چه چیزهایی واقعا نیاز دارد؟ او در آرزوی چه بود؟ مزمور ۵۱: ۱ تا ۶.

داود با مزمور ۵۱، علنا قلب خود را می‌گشاید و به گناهان خود اعتراف می‌کند. داود با گریه برای عفو رحمت خداوند به عشق و محبت ابدی خداوند و رحم و شفقت بیکران او متوسل می‌شود. او در آرزوی ضمیر و روحی تازه [تولد تازه] بود!

هنگامی که ما بهای آرامش در مسیح را در نظر می‌گیریم، ابتدا باید این را درک کنیم که ما نیازمند کمک از خارج هستیم؛ ما گناهکار هستیم و به منجی نیاز داریم؛ ما گناهان خود را تشخیص می‌دهیم و فریاد بر می‌آوریم و از تنها کسی که می‌تواند ما را بشنود و تطهیر و احیا کند، درخواست کمک می‌کنیم. هنگامی که اینکار را می‌کنیم، قوت قلب می‌یابیم؛ در اینجا یک زناکار، متلقب و ریاکار، یک قاتل و کسی که حداقل پنج فرمان از ده فرمان خداوند را نقض کرده وجود دارد که از خداوند درخواست کمک می‌کند — و وعده بخشش خدا را می‌طلبد.

اگر خداوند داود را بخاطر آنچه که انجام داده بخشید، این چه امیدی را در ما ایجاد می‌کند؟

۲۸ مهر

چهارشنبه

## اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید

اسرائیل-بطور کل به عنوان یک قوم- فرا خوانده شده بود تا خدا را محبت کند؛ اما این چیزی است که تنها بطور فردی می‌تواند محقق شود. به عنوان یک انسان که به او اراده آزاد داده شده است، هر اسرائیلی مجبور بود تا انتخاب کند که خدا را محبت نماید- و آنان قرار بود تا با اطاعت کردن، این محبت را نشان دهند.

این آیات زیر چه چیزی در اشتراک دارند؟ به بیانی دیگر، موضوع مشترک در بین آنان چیست؟

تثنیه باب ۵ آیه ۱۰

تثنیه باب ۷ آیه ۹

تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۲

تثنیه باب ۱۱ آیه ۱

تثنیه باب ۱۹ آیه ۹

چقدر کلام خدا می تواند روشن تر از این باشد؟ خدا صرفاً نمی گوید که ما را دوست دارد بلکه محبتش را با کاری که انجام داده است نشان داده است و هنوز هم انجام می دهد، قوم خدا هم باید محبتشان را برای خدا توسط اعمالشان نشان دهند و در این متون می بینیم که محبت به خدا با اطاعت به او رابطه ای جدایی ناپذیر دارد.

به خاطر همین است وقتی یوحنا می گوید: «محبت به خدا همین است که از احکام او اطاعت کنیم و احکام او باری گران نیست» (اول یوحنا باب ۵ آیه ۳)، یا وقتی عیسی می گوید: «اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهی داشت» (یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۵)، این آیات صرفاً این تعلیم بنیادی را بیان می کنند. محبت خدا همواره باید با ابراز اطاعت به خدا همراه باشد. این امر همیشه اینگونه بوده و خواهد بود و اطاعت از خدا به معنای اطاعت از احکام او، ده فرمان است که شامل فرمان چهارم که سبت می باشد نیز می شود. عمل به حکم چهارم از لحاظ قانونی بودن بیش از نگهداری از نه فرمان دیگر نیست.

اگرچه اطاعت از هرکدام از احکام مذکور می تواند قانون گرایی باشد، لیکن این نوع اطاعت از احکام از روی محبت به خداست.

وقتی ما به راستی خدا را محبت می کنیم؛ مخصوصاً به خاطر آنچه که او برایمان در مسیح عیسی انجام داده است، خواهان اطاعت از اویم؛ چراکه این همان چیزی است که او از ما می خواهد. وقتی موسی مکرراً به قوم اسرائیل می گفت که خدا را دوست داشته و از او اطاعت کنید، او اینکار را پس از آنکه آنان از مصر نجات پیدا کردند انجام داد. به خاطر همین محبتشان و اطاعتشان پاسخ به نجاتی بود که خدا به آنان داده بود. آنان توسط خداوند نجات یافته بودند. حال آنان با اطاعت وفادارانه به احکامش به او پاسخ می دادند. آیا این امر امروزه متفاوت است؟

تجربه شما از پیگیری برای اطاعت از خدا چیست؟ یعنی انگیزه های خودتان در اطاعت از خدا چیستند؟ چرا باید از روی عشق و محبت به او انجام شود؟ مفهوم ترس در کتاب مقدس، چه نقشی ایفا می کند؟

## فرمان اول

در حال اغلب مسیحیان بنا به دلایلی در پی این هستند تا عهدعتیق را از عهد جدید جا کنند و چنین چیزی امکان پذیر نیست؛ زیرا عهد جدید در عهد قدیم معنا پیدا می کند. عهد جدید در مکاشفه اش از عیسی و شرح الهیاتی از زندگی، مرگ، قیام و خدمت کهنات عظمای او به تحقق بسیاری از نبوتهای عهد عتیق اشاره می کند. عهد عتیق با شیوه های زیادی پیش زمینه، چارچوب و اساسی را برای عهد جدید ایجاد می کند. هر دو عهد، به نیکویی و محبت خدا شهادت می دهد. این تنها دلیلی است که چرا بارها و بارها، عهد جدید، منجمله عیسی از عهد قدیم نقل قول کرده اند.

مرقس باب ۱۲ آیات ۲۸-۳۰ را بخوانید. چه سوالی راجع به عبارت «اولین حکم در بین همه» پرسیده شده است؟ عیسی چه پاسخی می دهد و مرجع پاسخش از کجاست؟

جالب است که یکی از کاتبین، کسی که زندگی خود را وقف درک احکام و چگونگی اجرای آن کرده است، این سوال را می پرسد. درهرحال آنان بر این باورند که باید از احکام باید پیروی شود (بعدها یهودیان سنتی گفتند که ۶۱۳ حکم وجود دارد)، تعجب آور نیست که آنها می خواهند همه اینها در یک سوال حل شوند.

وعیسی چه کار می کند؟

او یگراست به سراغ تثنیه باب ۶ می رود که اینگونه شروع می شود «بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست!» (تثنیه باب ۶ آیه ۴) و سپس به آیه بعدی هم اشاره می کند که خدا را با تمامی دل، تمامی جان و تمامی قوت دوست بدارید. او با تاکید بر خداوند، بعنوان تنها خدایشان صحه می گذارد و بر اساس آن حقیقت عظیم آنان فراخوانده می شدند تا او را به حد اعلی دوست بدارند. چه چیزی بیشتر از این حکم می تواند «حقیقت حاضر» باشد؟

در این ایام آخر که وقایع نهایی مکشوف می شود و هر کسی فرا خوانده می شود تا موضعی حیاتی را اتخاذ کند، که احکام خدا می باشد (مکاشفه باب ۱۴ آیه ۱۲).

نهایتا آن موضعی را که برمی گزینیم حتی اگر با جفا همراه باشد، بر اساس این خواهد بود که آیا واقعا خدا را دوست خواهیم داشت یا نه. این امر تصمیمی چالش برانگیز را به دنبال دارد و ما می توانیم خدا را با تمامی دل و تمامی جان و قوت محبت کنیم و این تنها هنگامی میسر است که او را بشناسیم و نیکوئی، محبت و فیضش را تجربه کنیم و حتی اگر لازم باشد برای او بمیریم.

اگر کسی قرار بود از شما بپرسد: چگونه مردم بیایند و خدایی را محبت کنند که رو در رو ندیده اند، شما چه خواهی گفت؟ در کلاس در مورد پاسختان صحبت کنید.

۱ مرداد

جمعه

**اندیشه ای فراتر:** «صلیب مسیح تا به ابد دانش و سرود نجات یافتگان خواهد بود. در مسیح که جلال یافته است، آنها مسیح مصلوب را مشاهده می کنند. هرگز فراموش نخواهد شد که او با قدرت خویش جهان های بی کران ناشناخته را در قلمروی بیکران در فضا خلق نموده و برپاداشت، آن محبوب خدا، سرور آسمان بود، که کروی و سرافین درخشان از ستایش او محظوظ بودند — که خود را حقیر و خوار ساخت تا بشر افتاده را رفیع سازد، و تقصیر و شرم گناه را بر خود گرفت، تا اینکه غم های دنیای از دست رفته دلش را شکست و زندگی اش را برای روی صلیب جلجتا از هم پاشید. آن خالق جهان و داور تمامی سرنوشت ها باید جلال خویش را به کناری گذاشته از روی عشق و محبت به بشر خود را خوار و حقیر سازد که برای همیشه موجب شگفتی و تحسین جهان خواهد بود. وقتی ملل نجات یافته به منجی شان چشم بدوزند و جلال ابدی پدر را در سیمای درخشان مشاهده

کنند، وقتی تخت او را ببینند که بوده و هست و خواهد بود، خواهند دانست که پادشاهی اش پایانی نخواهد داشت، آنها آواز شوق خواهند سرائید: «سزاوار و شایسته است، آن بره ای که ذبح گردید، و با خون ارزشمند خویش فدیة ما را پرداخت نمود» (الن جی وایت، نبرد عظیم، صفحه ۶۵۱، ۶۵۲).

## سوالاتی برای بحث:

۱. متن الن جی وایت را که در بالا ذکر شده است بخوانید. این متن برای کمک به ما و اینکه چرا محبت مان برای خدا باید والاترین محبت باشد چه می گوید؟ در باره این جمله تفکر کنید که می گوید خدا آن کسی که «جهان های بی کران ناشناخته را در قلمروی بیکران در فضا خلق نموده و برپاداشت» کسی بود که برای ما بر روی صلیب رفت. چرا این حقیقت باید پایه و اساس ارتباطمان با خدا باشد؟

۲. بر مفهوم محبت و ترس از خدا بطور همزمان، تفکر کنید. چگونه می توانیم هر دو را انجام دهیم و چرا به هر دو باید عمل کنیم؟

۳. دوست داشتن خدا وقتی زندگی به خوبی سپری می شود یک چیز است. ولی هنگامی که مصیبت ها و سختی ها هجوم می آورد چه؟ چرا در این زمان محبت به خدا مهمتر از زمانی است که همه چیز به خوبی پیش می رود؟

۴. به سوال آخر درس روز پنجشنبه رجوع کنید. از چه روش هایی می توانید به فردی که ایماندار نیست معنی عشق به خدا را توضیح دهید؟ ما انسانها چگونه می توانیم کسی را که هرگز رو در رو ندیده ایم دوست داشته باشیم؟ چرا مسئله ای نیست که او را هرگز ندیده باشیم؟